

یادداشت

بشت این ظاهر آرام بحران ها پنهان شده‌اند



سید محمد کاظم سجاد پور
استاد دانشگاه

برگزاری هفتادو هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد با حضور عالی‌ترین مقامات کشورهای عضو در نیویورک، بزرگ‌ترین تجمع دیپلماتیک جهان، در سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۲) را رقم زد. سازمان ملل متحد با ۱۹۳ عضو در مقایسه با ۵۰ عضوی که در ۱۹۴۵، این نهاد چندجانبه را بنا گذاشته و پیوسته در معرض بحث و گفت‌وگو و سنجش بوده است. انتظارات بسیار بالا با واقعیت‌های ساختاری این سازمان بین‌الدولی در تضاد است. این نهاد که در ادامه دیپلماسی چندجانبه پیشین، یعنی جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول و کنفرانس‌ها و سازمان‌های بین‌المللی قرن نوزدهم، توسط پیروزمندان جنگ دوم جهانی راه‌اندازی شده، با تداومی ۷۸ ساله، مخصوصاً در موقعیت فعلی، نیاز به بازرسی و بازبینی تحلیلی دارد. چگونه می‌توان وضعیت عمومی و کلان، این نهاد را ارزیابی کرد؟ در پاسخ باید ۳ پدیده «بحران»، «بقا» و «تحول» را مد نظر قرار داد. تردیدی نیست که مخصوصاً در تأمین صلح و امنیت بین‌المللی شورای امنیت سازمان ملل متحد، با بحران روبه‌روست. جنگ روسیه علیه اوکراین در اسفند ۱۴۰۰ (فوریه ۲۰۲۲)، بحران‌های شورای امنیت را تشدید کرد. این شورا نه فقط نتوانسته از جنگ عضوی از اعضای دائم علیه عضو دیگری جلوگیری کند، بلکه شکافی در درون شورای امنیت و کل سازمان ملل متحد ایجاد کرده است که کم‌سابقه محسوب می‌شود. یک بررسی اجمالی از سخنرانی‌های مقامات عالی‌رتبه همه کشورها روشن می‌کند که جنگ اوکراین تبعات قابل ملاحظه‌ای دارد. البته بخشی از این بحران ساختاری بوده و بر کل پدیده حق و ثور ارتباط دارد. روسیه قطعنامه علیه خود را تو تو کرد، اما آنچه جالب است تقویت مجمع عمومی در یک سال و نیم گذشته از طریق راه‌اندازی اجلاس ویژه آن است. به هر جهت سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن در بزرگ‌ترین بحران امنیتی معاصر، نتوانسته نقش جلوگیری کننده، تعدیل کننده و برقرار کننده صلح را ایفا کند. اما همه سازمان ملل شورای امنیت نیست و همه وجود شورای امنیت در بحران اوکراین خلاصه نمی‌شود. سازمان ملل بقا داشته و دارد و خواهد داشت. دلیل بقای سازمان ملل متحد، همین ترافیک سنگین دیپلماتیک سالانه است. کدام کشور را می‌توان سراغ گرفت که رئیس جمهوری، نخست‌وزیر، وزیر خارجه و مقام ارشدی در این سطح را برای هفتاد و هشتمین اجلاس مجمع عمومی روانه نیویورک نکرده باشد. سازمان ملل، به رغم همه کاستی‌ها و بحران‌ها، هنوز مهم‌ترین نهادی است که می‌تواند همه کشورها را در خود جمع کند و در حاشیه اجلاس‌های آن، دیدار دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار کند. جالب آنکه با همه انتقادات، هیچ کشوری حاضر به ترک عضویت در سازمان ملل متحد نیست. کار کرده‌ای این سازمان متعدد و رنگارنگ بوده و از کارکرد تولید مقبولیت و مشروعیت بین‌المللی، تولید فضای تعامل، تولید هنجار و قواعد بین‌المللی و تولید، دانش و حساسیت و آگاهی بین‌المللی، جزئیات قابل توجه و کارشناسانه‌ای در این خصوص وجود دارد. در آن جمله آنکه سال آینده میلادی، ۲۰۲۴، «اجلاس آینده» در سطح رهبران اعضای ملل متحد برگزار می‌شود. در تارک آن اجلاس، در چند سال گذشته، اقداماتی در قالب نشست‌ها و گزارش‌ها در سازمان ملل متحد در جریان بوده است. من جمله در اجلاس هفتاد و هفتمین مجمع عمومی در قطعنامه‌ای، با دبیر کل و ملل متحد خواسته شد که شرایط بین‌المللی، شرایط سازمان ملل و انتخاب‌های فراور را مشخص کند. گزرتش، دبیر کل پر تنگای سازمان ملل در ۲۲ ژوئیه امسال (۱۴۰۲/۲۴/۳۱)، گزارشی با عنوان «دستور کار جدید برای صلح» در چهل صفحه به اعضای ملل متحد ارائه داد که در واقع با سه ویژگی «آئینه بودگی»، «چارچوب گرایی» و «جمع گرایی» قابل مفهوم‌بندی است. شرایط بین‌المللی، انعکاسی آئینه‌ای در این گزارش نسبتاً جامع و دقیق دارد، از بحران اعتماد، نابرابری و عدم انسجام بین‌المللی گرفته تا مسائل و موضوعات تغییرات آب و هوایی در این گزارش مطرح شده‌اند. در عین حال، امکان رسیدن به چارچوبی برای حل مشکلات و معضلات جهانی مورد تأکید قرار گرفته و جمع گرایی و سرنوشت مشترک بر جسته شده و سرانجام دوازده برنامه عملی من جمله برای اصلاحات در مجموعه ملل متحد ارائه شده است. این گزارش یکی از مبانی اجلاس سال ۲۰۲۴ در مورد آینده خواهد بود. محور اصلی در اجلاس سال ۲۰۲۴، ارزیابی چگونگی تحقق اهداف مفده گانه‌ای است که در سند توسعه پایدار مشخص شده است. همه کشورها در زمینه تحقق اهداف مزبور در تلاشند و بدون اظهارات خوش بینانه و بدبینانه، می‌توان انتظار داشت که در اجلاس سران ۲۰۲۴ همه کشورها شرکت خواهند داشت. غیبت قابل ملاحظه‌ای نخواهد بود و نمی‌توان گفت این اجلاس، بی‌اثر و بی‌تحول خواهد بود. مخلص کلام آنکه سازمان ملل با بحران‌های متعدد روبه‌روست اما به نظر باقی ماندنی است و تحولات ایجاد شده جمعی در این زمان در حال و آینده را نمی‌توان نادیده گرفت.

در پیچه

علی محمد نمازی:

سخن از ائتلاف بی‌معنی است

یکی عضو حزب کارگزاران سازندگی، اظهار داشت: برگزاری انتخابات چندبخش دارد نخست رأی دهندگان هستند که این بخش فعلاً آماده انتخابات نیستند. بخش دیگر نامزدهای انتخابات هستند که در این قسمت هم نامزدهای شاخص به میدان نیامده‌اند و عملاً نامزدی را مشاهده نمی‌کنیم. در بین اصلاح‌طلبان نامزد شاخصی در انتخابات ثبت‌نام نکرد و حتی در بین اصولگرایان هم چهره‌های مطرحی را نمی‌بینیم. علی محمد نمازی، گفت: همچنین نوع نظارت بر صلاحیت‌ها هم طوری نیست که مردم و فعالان سیاسی چه برای انتخاب کردن و چه برای انتخاب‌شدن انگیزه پیدا کنند. من تصور می‌کنم اکنون زمانی که باید یک آشتی ملی ایجاد شود تا مردم نسبت به عرصه سیاست امیدوارتر شوند و قانع شوند که فضای رقابتی در عرصه سیاسی از بین نرفته است. وی افزود: اینکه برخی سخن از ائتلاف می‌زنند اساساً بی‌معنی است زیرا مثلاً آقای لاریجانی که نه خودش به میدان آمده و نه تشکیلاتی ایجاد کرده که ائتلاف با او معنی داشته باشد. اصلاح‌طلبان هم به هیچ وجه سازوکاری برای ائتلاف پیش‌بینی نکرده‌اند. نمازی درباره سخنان اخیر غلامحسین کرباسچی هم گفت: «من هم مانند آقای کرباسچی قائل به مشارکت در انتخابات هستم و حتی وقتی پیش‌ثبت‌نام انجام‌شد، گفتم که بهتر است جبهه اصلاحات مردم را دعوت به مشارکت حداکثری کند، اما اگر چه اصل حرف آقای کرباسچی مبنی بر اینکه راه دیگری جز انتخابات وجود ندارد درست است، اما برای گفتن این حرف دیر است.



جهانگیر الماسی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دولت‌ها به سینما به عنوان بنگاه اقتصادی نگاه کرده‌اند



نسل گذشته سینما

نسل «ما» بود؛ نسل جدید

نسل «من» است



سینمای ایران در یک موقعیت

پارادوکسیکال قرار گرفته است



در شرایط کنونی اثرگذاری و تبلیغ

اخلاقی بر مخاطب در سینمای ایران

با اشکال مواجه است

زیادی داشت. در آن دوران اساتید بر جسته به ما می‌گفتند هیچ گاه نگویید «من» و بلکه بگویید «ما». این در حالی است که امروز پیش‌تازان و پیشگامان این رویکرد را تبلیغ می‌کنند که بگویید «من».

چرا امروز «من‌ها» در سینما جای «ما» را گرفته است؟

این تغییر رویکرد به معنای این است که در شرایط کنونی همه چیز باید حول منافع فردی «من» شکل بگیرد. نسل من نسلی بود که از منافع جمعی حمایت می‌کرد اما امروز سینمای ایران در یک موقعیت پارادوکسیکال قرار گرفته و به دنبال این است که کدام یک از اینها صحیح است. اگر «ما» ارزش داشت چرا اغلب کسانی که با ما همسو و هم جهت بودند در نیمه راه به «من» تبدیل شدند؟ این من‌ها نیز از بسیاری از جریان‌ها تهی شد و به موجوداتی تبدیل شدند که خودشان در گذشته به آن نقد داشتند و تلاش می‌کردند از آن فاصله بگیرند. سینمای امروز ایران دیگر نمی‌تواند میراث دار گذشته باشد. سینمای امروز ظرفیت و توانایی کافی برای اینکه میراث دار گذشته باشد ندارد و باید برای آینده خود چشم انداز مناسبی را ترسیم کند. آنچه امروز از سینما باقی‌مانده تنها یک حرفه است. سینما امروز به یک مجتمع خدمات حرفه‌ای تبدیل شده که عده‌ای در آن مشغول به کار هستند و درآمد کسب می‌کنند. اتفاقاً حکومت‌ها بیشتر می‌پسندند. دولت‌هایی که در ایران بر سر کار آمده‌اند همه تأکید داشته‌اند که بیشتر به این وجه از سینما متوجه شوند. این من‌ها نیز از بسیاری از جریان‌ها تهی شد و به موجوداتی تبدیل شدند که خودشان در گذشته به آن نقد داشتند و تلاش می‌کردند از آن فاصله بگیرند. سینمای امروز ایران دیگر نمی‌تواند میراث دار گذشته باشد. سینمای امروز ظرفیت و توانایی کافی برای اینکه میراث دار گذشته باشد ندارد و باید برای آینده خود چشم انداز مناسبی را ترسیم کند. آنچه امروز از سینما باقی‌مانده تنها یک حرفه است. سینما امروز به یک مجتمع خدمات حرفه‌ای تبدیل شده که عده‌ای در آن مشغول به کار هستند و درآمد کسب می‌کنند. اتفاقاً حکومت‌ها این وجه از سینما را در ظاهر بیشتر می‌پسندند. دولت‌هایی که در ایران بر سر کار آمده‌اند همه تأکید داشته‌اند که بیشتر به این وجه از سینما پرداخته شود. دولت‌ها در ایران بیشتر به سینما به چشم یک بنگاه اقتصادی نگاه کرده‌اند. این در حالی است که در کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی علاوه بر اینکه به جنبه درآمدزایی سینما توجه می‌کردند به سینما به عنوان یکی از مجامع نادر انسانی که می‌تواند «فکر» تولید کند و زمینه‌های تحول فکری و فرهنگی نیروهای جوان جامعه را به وجود بیاورد توجه می‌کردند.

چگونه می‌توان به یک سینمای مولف و متفکر رسید؟

ما نویسندگان و سینماگران جوان خوبی داریم. با این وجود مدیریت سینمای کشور باید خود را به عنوان یک روشنفکر، دگراندیش و معمار فکری معرفی کند تا بتواند نقاط ایده‌آل را مشخص کند و از سینماگر بخواهد

سینمای امروز ایران دیگر نمی‌تواند میراث دار گذشته باشد. سینمای امروز

ظرفیت و توانایی کافی برای اینکه میراث دار گذشته باشد ندارد و باید برای آینده

خود چشم انداز مناسبی را ترسیم کند. آنچه امروز از سینما باقی‌مانده تنها یک

حرفه است. سینما امروز به یک مجتمع خدمات حرفه‌ای تبدیل شده که عده‌ای در آن

مشغول به کار هستند و درآمد کسب می‌کنند. اتفاقاً حکومت‌ها این وجه از سینما را

در ظاهر بیشتر می‌پسندند. دولت‌هایی که در ایران بر سر کار آمده‌اند همه تأکید

داشته‌اند که بیشتر به این وجه از سینما پرداخته شود. دولت‌ها در ایران بیشتر

به سینما به چشم یک بنگاه اقتصادی نگاه کرده‌اند

پنجشنبه

۱۴۰۲.۰۷.۰۶

۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۵ / ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳

شماره ۱۶۵۵ armanmeli.ir

نگره

عربستان از رابطه با ایران به دنبال چیست؟

عبدالصافر جی‌راه:

عربستان به دنبال توسعه

وامنیت است

فیصل بن فرحان، وزیر امور خارجه عربستان در سازمان ملل گفت: «اساس و مبنای توافق ایران و عربستان، اصل عدم دخالت در امور کشورهاست. عربستان خواهان توقف رقابت‌ها برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای است.» وی در ادامه گفت: ریاض در راستای اهداف منع گسترش تسلیحات هسته‌ای که با درک ضرورت اجرای تعهدات جامعه بین‌المللی در چارچوب معاهدات و ساختارهای قانونی موجود آغاز می‌شود، بر هدف دستیابی به جهانی عاری از سلاح هسته‌ای و از جمله آن در منطقه خاورمیانه تأکید می‌کند. این اظهارات بن فرحان در شرایطی مطرح می‌شود که محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، در یک مصاحبه تلویزیونی در آمریکا از نزدیک شدن به توافق عادی سازی روابط با اسرائیل سخن گفته و هشدار داده است که اتمی شدن ایران به اتمی شدن عربستان منجر خواهد شد. پس از ۷ سال قطع رابطه دیپلماتیک با واسطت چین، بار دیگر، روابط خود را آغاز کردند. از آن تاریخ تاکنون روند توسعه روابط دو کشور هسته، اما پیوسته پیش رفته است. سفر وزیر خارجه عربستان به تهران، در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ را می‌توان یک نقطه عطف مهم در روابط سیاسی دو کشور دانست. با این وجود، مسأله پیش‌شرط‌های توافق دو کشور، همچنان روی میز است و هر از چندگاهی توسط مقام‌های سعودی باز نشر می‌شود. این شرایط پرسش‌هایی را ایجاد می‌کند از جمله اینکه روابط ایران و عربستان در چه مرحله‌ای قرار دارد و چشم‌انداز این روابط چگونه خواهد بود؟

رقابت دیرینه در حوزه ژئوپلیتیک

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل اظهار داشت: سخنان بن فرحان در سازمان ملل، مشخصاً در خصوص روابط عربستان با ایران بود. وی تأکید کرد که قرار است دو کشور ایران و عربستان از امور داخلی یکدیگر دخالت نکنند. در مورد مسائل هسته‌ای نیز، این بن سلمان، ولیعهد سعودی بود که گفت و گو با فاکس نیوز تأکید کرد که باید سلاح‌های هسته‌ای جمع شوند. او تأکید داشت که عربستان علاقه‌ای به سلاح هسته‌ای ندارد و هیچ کشوری در منطقه نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. اما پس از اینکه خبر گزاران وی پرسید اگر ایران به سلاح هسته‌ای دسترسی پیدا کند شما چه می‌کنید؟ پاسخ داد ما نیز باید بر سیم تا موازنه قدرت در منطقه ایجاد شود. وی افزود: ایران و عربستان دورقیب ژئوپلیتیک در منطقه هستند که طی ۱۶۰ سال اخیر با یکدیگر در رقابت قرار دارند. این رقابت سنتی به این شکل پیش می‌رفت که طرفین سعی داشتند، طرف مقابل را تضعیف کرده و خود، رشد کنند. اما اکنون عربستان، سیاست «توسعه‌گر»، انتخاب کرده است. هدف نهایی عربستان این است که به‌قدرت بزرگی در سطح جهان برسد. بن‌فرحان در سازمان ملل حداقل روی ده موضوع صحبت کرد که از روابط با ایران تا مسائل سوریه و لبنان گسترده بود و این یعنی عربستان به دنبال احترام، هم‌زمان با توسعه و تکنولوژی برتر است.»

عربستان به دنبال توسعه و امنیت است

این استاد ژئوپلیتیک بیان کرد: عربستان کاملاً در مسیر سیاست موازنه‌ای حرکت می‌کند یعنی با غرب و شرق در رابطه است. عربستان مایل است از نظر اقتصادی، حداکثر استفاده از شرق و چین و ژاپن و ... ببرد، اما متحد غرب نیز بماند و به همین خاطر این اصرار دارد آمریکا امنیت عربستان را تضمین کند. اکنون که عرب‌ها به دنبال قرار گرفتن بین ۱۰ قدرت برتر جهانی است، به دنبال تندروی‌های گذشته نیست. در نتیجه توسعه و ثبات، راه‌مزان پایه‌ریزی می‌کند. برقراری ارتباط با ایران نیز در راستای همین ثبات منطقه‌ای بود. محمد بن سلمان اعلام کرده به دنبال همگرایی منطقه‌ای یا به عبارتی دقیق‌تر همگرایی عربی است؛ بنابراین تعریف چنین اهدافی در عربستان در کنار سرمایه فراوان، به استفاده از تکنولوژی‌های مدرن نیاز دارد. کشورهای حاشیه خلیج فارس ۳ هزار میلیارد دلار ذخیره ارزی دارند؛ بنابراین به امنیت نیاز دارند. در سایه امنیت است که سرمایه‌های توانند در مسیر مناسب استفاده شوند. وی افزود: هر کاری در حوزه دیپلماسی باید مبتنی بر هدف انجام شود. این هدف گذاری کمک می‌کند در بزنگاه‌ها، حداکثر استفاده و بهره‌برداری، انجام شود. وقتی روابط ایران و عربستان مجدداً احیا شد، امیدهای زیادی راه‌بندیل داشت. حتی برخی مقام‌های عربستانی از سرمایه‌گذاری در ایران، سخن گفتند. ایران نیز به این نوع جذب سرمایه‌های خارجی نیاز دارد، اما زمانی طولانی طی شد تا سفرآه‌های دو کشور، فعال شود. نکات تلخی نیز در روابط به وجود آمد که از مشکلات در میدان گازی ارزش بیابانه مشترک عربستان با روسیه و چین در خصوص جزایر سه گانه ایران را شامل می‌شود. وی ادامه داد: معتقدم دو طرف نتوانستند به خوبی از امیدهای که ایجاد شده بود استفاده کنند. وقتی امیدها بی‌ا می‌رود باید در همان زمان بهره‌برداری را شروع کرد، در غیر این صورت شعله‌های گرم شدن روابط، ضعیف یا به طور کامل خاموش می‌شود. اعتماد فی‌مابین کشورها، بسیار مهم است. هنوز هم معتقدم دیر نشده، ولی فرصت‌های غربی به عنوان یک ضرورت شناخته می‌شود. دلیل این موضوع نیز تفاوت‌ها در دیدگاه‌ها و مدیریت فرهنگی جوامع مختلف است.